



بررسی جلوه‌های فرهنگی و اخلاقی در سفرنامه منظوم نزاری قهستانی

نورالدین پیدا^۱

خدیجه دانش^۲

چکیده

حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین بن محمد نزاری بیرجندی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان شیعی مذهب است. وی در عصری می‌زیست که فرهنگ، اخلاق و آداب ایرانی و اسلامی در زیر سلطه و گام‌های سهمگین مغول در حال پایمال شدن بود. نزاری قهستانی چون برخی دیگر از شاعران در این میان با خلق آثاری چند و بازتاب گوشه‌ای از فرهنگ و آداب این مرز و بوم، سهم عمده‌ای در حفظ و اشاعه آن داشته است. سفرنامه‌ی منظوم او از جمله این آثار است. نزاری بخش اعظم سفرنامه‌ی خود را به اندرزه‌های اخلاقی و عقیدتی اختصاص داده و داستان‌هایی که در سفرنامه بیان نموده بیشتر جنبه‌ی تعلیمی و اخلاقی دارد. به همین منظور در این مجال، قصد داریم که ابتدا با معرفی این شاعر و آثار وی، به ذکر برخی از تعالیم اخلاقی و باورها و آداب بومی که در سفرنامه نزاری قهستانی بدان‌ها اشاره رفته، بپردازیم و تبیین کنیم.

کلیدواژه: نزاری قهستانی، سفرنامه، باورهای عامیانه، اخلاق و فرهنگ.

مقدمه

فرهنگ عامه، از رایج‌ترین موضوعاتی است که در ذهن و روح بیشتر جوامع بشری ریشه دوانیده است و آثار آن به شکل‌های گوناگون نمایان است. بسیاری از اعتقادات آدمی از گذشته‌های دور تا به امروز شکل گرفته و باعث شده است تا جنبه‌های مهمی از زندگی انسان‌ها، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، با عقاید، باورها و آداب و سنی پیوند یابد که مجموع آن‌ها «فولکلور» یا فرهنگ عامه را می‌سازد.

آثاری که در آن‌ها به جنبه‌های مختلف زندگی عوام توجه شده است، جسته و گریخته در گذشته‌ی ادبی ایران نیز نشانی از خود به جا گذاشته‌اند. بسیاری از این آداب و رسوم، نتیجه‌ی آمیزش روح آن قوم با محیط پیرامون خود، و تجربه‌های تلخ و شیرینی است که در طی تاریخ طولانی آن را به دست آورده است.

nooreddinpeyda@gmail.com

fr13921@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی تبریز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی



فولکلور مجموعه‌ای از عادات و سنن، افسانه‌ها و قصص، معتقدات و خرافاتی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. « فولکلور عبارت است از علم سنن، مراسم، معتقدات، آداب و رسوم، افسانه‌ها، ترانه‌ها و ادبیات مردم یک سرزمین و به معنی گسترده‌تر، تمام افسانه‌ها و ترانه‌ها و آداب و سننی که یک قوم و یا یک سرزمین را در بر می‌گیرد، اعم از عامیانه و عالمانه » (ماسه، ۱۳۵۷: ۲۷).

«امروزه توجه به فرهنگ عامه و پدیده‌های اصیل آن نوعی خودشناسی است و سبب می‌شود که با شناخت عمیق آن و پی بردن به ارزش‌های فرهنگی و قومی گذشتگان و نیاکان، از هجوم فرهنگ بیگانه در امان ماند. بیشتر فولکلورشناسان و مردم‌شناسان معتقدند که فولکلور مبین آمال و شیوه‌های فکری و ارزش‌های فرهنگی یک ملت است؛ و می‌گویند قهرمانان فولکلور، آینه‌ی تمام‌نمای تمدن‌هایی هستند که از آن‌ها برخاسته‌اند» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

محمدعلی فروغی درباره اهمیت آداب و رسوم و فرهنگ عامه چنین می‌نویسد: « تحقیق درباره فرهنگ عوام نه تنها از لحاظ علمی قابل توجه است بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را روشن می‌کند، و امروزه دانشمندان و صاحب‌نظران به فراهم آمدن این معلومات اهمیت بسیار می‌دهند» (سرلک، ۱۳۸۵: ۱۵).

در قرون گذشته باورها و آدابی در میان مردم وجود داشت که از فرهنگ و رسوم آن جامعه برمی‌خاست و تأثیر زیادی بر طبقات جامعه آن روزگار می‌گذاشت. خوشبختانه بسیاری از این باورها، اعتقادات و آیین‌ها در قالب داستان و افسانه‌هایی که از دوران گذشته به یادگار مانده است، منعکس و متجلی شده است. «مبادی و سرچشمه‌های فرهنگ پیوسته ایران، از دیرباز، به باورها و اعتقادات و رسوم و داستان‌ها و اسطوره‌هایی مربوط می‌شد که هر کدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. بیشتر این آیین و رسوم و داستان‌ها از انطباق بر احوال تاریخی و باورها و معتقدات قومی، و به طور کلی، هنگام سفر به آینده، تجربه‌های روزگاران را در خود جذب می‌کنند و با صورتی نوآیین و دوام‌پذیر، در هر وضعی به حیات تکاملی خویش ادامه می‌دهند» (یاحق، ۱۳۷۵: ۵).

شاعران و نویسندگان در بستر جامعه به سر می‌برند و در تعامل با افراد جامعه‌اند، خواه ناخواه تحت تأثیر اعتقادات و باورهای مردم قرار می‌گیرند و در آثار خویش از آن‌ها بهره می‌جویند. بدیهی است با تحقیق و تحلیل و بررسی آن‌ها می‌توان بسیاری از نکات تاریک و مبهم زندگی، معیشت، باورها، اعتقادات، فرهنگ و سنن گذشتگان را روشن نمود و به شناخت هرچه بیشتر حیات فکری و اجتماعی پیشینیان نائل آمد. از نظر ملی، فولکلور هر ملتی در حکم شناسنامه آن ملت است. عامل اصلی و تعیین‌کننده خصلت‌ها و نشان‌دهنده عادت‌های هر ملتی، فولکلور آن ملت است. از نظر جهانی، فولکلور هر ملتی در حقیقت سفیر حسن نیت و مبشر دوستی و وداد آن ملت نزد سایر ملل است و بهترین عامل مؤثری است که ملتها را به هم می‌پیوندد و باهم آشنا می‌کند (شریفی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۸).



اخلاق و مسائل مرتبط با آن نیز جایگاه مهمی در فرهنگ ایرانی و اسلامی دارد. نقش و اهمیت مهارت‌های اخلاقی، در تعالی معنوی انسان‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ همچنان که رسول گرامی اسلام نیز هدف از بعثت خویش را به اتمام رساندن مکارم اخلاق معرفی می‌نماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» من مبعوث شده‌ام که اخلاق حسنه را به اتمام رسانم. اولیای گرامی اسلام نیز برای آنکه پیروان خویش را به راه خودسازی و تزکیه نفس سوق دهند، آنان را به آموختن علم اخلاق موظف نموده و فرا گرفتن این علم را که از پایه‌های اساسی سعادت اجتماع است بر سایر علوم مقدم داشته‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۱).

بی‌تردید مهارت‌های اخلاقی در اسلام دارای اهمیت فراوانی است و علاوه بر آنکه از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام آن به شمار می‌آید، عامل پیوند انسان به پروردگارش نیز می‌باشد و همانا این پیوند مقصود اصلی در ایجاد انسان کامل است. دیگر آنکه آیین مقدس اسلام در تمام زمینه‌ها جز با شیوه اخلاقی، کامل نمی‌گردد و نیز این علم از دانش‌هایی است که به انسان و حالات گوناگون او و سایر علوم و معارف انسانی اهتمام می‌ورزد و از فضیلت‌ها و مکارم انسانی چگونگی به دست آوردن آن و نحوه آراستن نفس به آن صفات نیک، از رذیلت‌ها و صفات ناپسند و چگونگی دوری جستن از آن‌ها و بازداشتن نفس از آلوده شدن و نیز آثار گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن بحث و گفت‌وگو می‌کند (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۲).

ادبیات اخلاقی موجود در زبان فارسی در چارچوب آنچه ما ادبیات آموزشی نامیده‌ایم، جای می‌گیرد. صورت اولیه بیان اندرز، کلمات قصار است. حکایت نیز یکی از عناصر اساسی آثار اخلاقی فارسی است. هر روایت اعم از داستان و یا قطعه‌ای عبرت‌آموز از اثری تاریخی از جایگاهی مرکزی در گفتار فرهنگ‌ها برخوردار است (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۱۰).

شرحی کوتاه بر زندگی و آثار نزاری قهستانی:

حکیم سعدالدین بن شمس الدین بن محمد نزاری بیرجندی قهستانی از شاعران معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری است. او یکی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی زبان اسماعیلی مذهب است که در سال ۶۴۵ هجری قمری دیده به جهان گشود وی از جوانی به شغل دیوانی پرداخت و همراه یکی از همکاران دیوانیش درشوال ۶۷۸ ه.ق به اصفهان، تبریز، آران، گرجستان، ارمنستان، باکو، اردبیل و ابهر رفت و در نهایت از آن جا به سفر دو ساله اش پایان داد و به قهستان بازگشت و در آن جا ساکن شد و در حدود سال‌های ۷۰۰ تا ۷۲۰ هجری قمری دیده از جهان فرو بست. از وی آثار فراوانی از جمله دیوان اشعار، سفرنامه منظوم، ادب‌نامه، دستورنامه و مثنوی ازهر و مزرهر برجای مانده است. وی اشعاری از خاقانی و سعدی را جواب داده و حافظ نیز چند غزل نزاری را پاسخ داده است.



نخستین مثنوی از حیث تاریخ، «سفرنامه» شاعر است که در حدود ۱۲۰۰ بیت است و نزاری در آن، سفر خود را به شهرهای مختلف از جمله اصفهان و تبریز و باکو، در سال‌های ۶۷۸ و ۶۷۹ شرح داده است (نزاری قهستانی، ۱۳۸۵: ۷). با مطالعه سفرنامه منظوم نزاری متوجه می‌شویم که او بخش اعظم سفرنامه خود را به اندرزه‌های اخلاقی و عقیدتی اختصاص داده و داستان‌هایی که در سفرنامه بیان نموده بیشتر جنبه‌های تعلیمی و اخلاقی دارد.

الف) اشارات اخلاقی سفرنامه

در ادبیات فارسی، با توجه به مقام والا و غنای آن، نکته‌های اخلاقی بسیاری نهفته است که کشف آن امری ضروری و رسالتی بالقوه است. نزاری قهستانی، از بزرگ‌ترین دانشمندان و ادیبان ایرانی است که در بابت آموزش مباحث اخلاقی سخن گفته و از جمله مریبان بزرگ اجتماعی است که آموزش را اساس نیکبختی و سعادت افراد می‌داند. به همین دلیل حکمتی عملی را در سفرنامه خود، گنجانده است. «اثر نزاری روایتی فوق‌العاده مذهبی و تعلیمی است که هدف اصلی وی در آن توصیف دیدار با دوستانش و تبلیغ اندیشه‌های دینی و اخلاقی خاصی است. شاعر اغلب برای آوردن مطایبات، حکایات، و ضرب‌المثل‌ها از شعر کهن فارسی و تصوف در تأیید اصول تعالیم خود، گریزهای طولانی می‌زند» (جمال، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

لزوم قناعت

در کنار بحث اسراف که همواره در اسلام مورد مذمت قرار گرفته است، مسئله قناعت، خصلت و ویژگی ارزشمندی برای یک انسان مسلمان به شمار می‌رود. در فرهنگ اسلامی صفت قناعت از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه است و از آن به عنوان وسیله‌ای که سعادت ابدی آدمی را به بار می‌آورد یاد شده است. امام محمد باقر (ع) در این رابطه می‌فرماید: «هر که قناعت کند به آنچه که خدا به او می‌دهد، غنی‌ترین مردم است» (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۱ / ۳۲۱).

علاوه بر این در کتب اخلاقی اسلامی نیز می‌بینیم که روش‌های تحصیل این صفت پسندیده مورد بحث و بررسی قرار گرفته و علمای اخلاق به صورت مفصل به این موضوع پرداخته‌اند که حاکی از توجه دین مبین اسلام به این مسئله است، به عبارتی در آموزه‌های دینی ما علاوه بر اینکه مسئله قناعت و صرفه‌جویی یک مسئله تاثیرگذار در جامعه محسوب می‌شود و به ابعاد اجتماعی آن پرداخته شده، هر فرد مسلمان نیز به کسب و تحصیل این ویژگی اخلاقی پسندیده به عنوان یک فضیلت تشویق شده است.

همچنین با نگاهی به ادبیات این مرز و بوم خواهیم دید که ادبیات و شعرای ایرانی نیز در جایگاه‌های گوناگون به مسئله اسراف و در مقابل آن به صرفه‌جویی و قناعت توجه ویژه‌ای داشته‌اند.



نزاری خوشبختی را از آن کسانی می‌داند که قناعت‌پیشه باشند؛ زیرا کسی که حریص باشد و روحش از دنیای قناعت ناآگاه باشد، شایستگی بودن در شهر خوشبختی را ندارد و در دام ابلیس خواهد افتاد:

هم بلاحول قناعت هرنفس دفع کن تلبیس ابلیس هوس

(سفرنامه نزاری: ۵۵)

وقت‌شناسی (مدیریت زمان)

یکی از عوامل بسیار مهمی که در پیروزی، کامیابی و موفقیت انسان نقش به‌سزایی دارد، وقت‌شناسی و آگاهی از طرز استفاده از وقت و ارزش دادن به آن است. یکی از امتیازات انسان‌های بزرگ، حساس بودن نسبت به گذشت زمان و بهره‌گیری مطلوب از گوهر گران‌بهای عمر است. شایسته همه افراد به ویژه کسانی که آرزوی رسیدن به اوج قله‌های موفقیت و کامیابی و طی مراحل کمال و تقرب الهی را دارند قدر سرمایه‌ی ارزشمند عمر خود را بیش از پیش دانسته و آن را به بطالت، بیهودگی و بی‌ثمر از دست ندهند. امام علی (ع) در خصوص ارزش وقت می‌فرماید: «فرصت مانند ابر گذرنده می‌گذرد، پس فرصت‌های نیکو را از دست ندهید» (علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۳: ۱۰۹۶).

هر چیز در دنیا قابل جبران است غیر از وقت که چون از دست رفت، دیگر به دست نمی‌آید، جوانان عموماً تصور می‌کنند که عمرشان تا ابدیت گسترده است! و به همین جهت قدر وقت را نمی‌دانند، وقتی به خود می‌آیند که پیری چهره کریه خود را نشان می‌دهد. وضع اکثر جوانان مانند مرد پولداری است که سرمایه محدود خود را با بی‌پروایی خرج می‌کند غافل از آن که دیر یا زود ثروت کلان او به پایان خواهد رسید. دانشمندی می‌نویسد: «ما همچون زارعی هستیم که هر روز بیشتر از روز گذشته کشتزار مرگ خود را شخم می‌زنیم» (آقاجانی، ۱۳۸۲: ۲۰).

در متون نظم و نثر گذشته ادب فارسی شاعران در آثار خود به کرات در باب اغتنام فرصت سخن به میان آورده‌اند:

«وقت آن است که بنده بدان از ماضی و مستقبل فارغ شود، چنان‌چه اندر کشف آن نه از ماضی یاد آید

نه

از مستقبل. پس همه کس را بدان دست نرسد و نداند که سابقت بر چه وقت و عاقبت بر چه خواهد بود. مولوی گوید:

صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق نیست فردا گفتن از شرط طریق

صوفی ابن الحال باشد در مال گرچه هر دو فارغند از ماه و سال»

(انوری، ۱۳۸۱: ۷۸۹)

نزاری نیز در جای جای سفرنامه خود وقت را غنیمت دانسته و توصیه‌هایی را در این زمینه می‌کند:



مرد عاقل را که فرصت کرد فوت زندگانی شد پرواز غصه موت

(سفرنامه نزاری: ۶۰)

نقد عمرم صرف شد بر باطلی جز پشیمانی ندارم حاصلی

(همان: ۱۳۴)

آه کاب حسرتم از سر گذشت دولت آمد خفته بودم بر گذشت

بخت می آمدولی من خفته ام او پریشان نیست من آشفته ام

(سفرنامه نزاری: ۱۳۷)

صبر و شکیبایی:

صبر در آئین برگزیده اسلام جایگاهی بس والا دارد. دژی بسیار محکم است که اهل ایمان و یقین را امان از آفات زمان و مکان است شماره زیادی از آیات شریفه قرآن عظیم با واژه صبر و مشتقات آن ختم می گردند و صفت صابری در نزد پروردگار صبار و شکور پیوسته ستوده شده است. آن گونه که یگانه مهربان، همواره بندگان مؤمن خویش را به صبر دعوت نموده و صالحان را از صابران می داند.

در سوره مبارکه بقره آیه شریفه (آیه ۲۴۹) چنین می خوانیم: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ چه بسا گروه اندکی که بر گروه بسیار غلبه یافتند، به اذن پروردگار و خداوند با صبرپیشگان است» (بقره / ۲۴۹).

نزاری قهستانی به صبر و شکیبایی در کارها و امور سفارش می کند. وی معتقد است که باید خون خورد و زجر کشید و صبر و بردباری پیشه کرد تا به مقصود رسید:

مردبایستی که خون خوردی به جبر همچو ایوب اقتدا کردی بصیر

(همان: ۱۴۶)

وی اعتقاد دارد که با صبر و شکیبایی می توان از تنگناها و مشکلات رهایی یافت:

گرچه باشی در حوادث پای بست صبر کن کامید استخلاص هست

(سفرنامه نزاری: ۶۳)

تواضع و فروتنی



تا زمانی که آدمی نتواند از حصار تنگ خودپسندی و خودمحوری خارج شود و خویشتن را از دام عجب و کبر برهاند، بالطبع، تحمل اندیشه و رفتار دیگران برای وی میسر نخواهد بود.

نزاری تواضع و فروتنی را مایه بزرگی دانسته و دل بستن به این دنیایی دون را کار نابخردان دون پایه دانسته است:

پیشه گردون دون گردندگیست هر که دل بندد روخر کندگیست
 هر که بادنیابزرگی پیش کرد بیشتر خردش بدست خویش کرد

(سفرنامه نزاری: ۶۶)

قدر دوست دانستن

نزاری اعتقاد دارد که باید قدر دوستان را دانست و دوری از دوست را بدتر از جان دادن می‌داند:

قطع و وصل دوستان وقت وداع تلخ‌تر از قطع جان وقت نزاع

(همان: ۷۹)

وی حتی غرض از سرودن سفرنامه خود را ذکر یاد دوستان دانسته است:

زین غرض مقصود من افسانه نیست وصف و شرح گلخن و کاشانه نیست
 هست ذکر دوستان معهود من ذکر ایشان است از این مقصود من

(همان: ۴۴)

عفو و گذشت

عفو و بخشش یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود. هرچند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است اما بخشش شاهراه سلامت روانی است. بخشش یک ویژگی سودمند در روابط انسانی است که به‌طور گسترده به‌عنوان یک موضوع پژوهشی به‌وسیله متخصصان علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

عفو به معنای گذشتن از گناه و ترک کیفر آن است و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است (ابن منظور، ۱۳۷۳: ۹/۲۹۴). ولی راغب در مفردات این معنی را ریشه اصلی نمی‌داند و معتقد است که عفو به معنای قصد گرفتن چیزی است و به همین مناسبت به وزش بادهایی که منجر به ویرانی و گرفتن چیزی می‌شود، این



واژه اطلاق شده است و اگر به محو کردن، عفو اطلاق می‌گردد بخاطر این است که آن هم نوعی قصد برگرفتن چیزی است (گیلانی، ۱۳۷۷: ۱ / ۳۷۴).

نزاری بخشش را حتی بر کافر نیز توصیه می‌کند و بخشندگی را در کنار نیک‌نامی ارج می‌نهد:

برگرفتاری که بی‌یاور بود جای رحمت باشدار کافر بود

(سفرنامه نزاری: ۷۹)

نیک‌نامی در عطا بخشندگیست لیک مردی در خطا بخشندگیست

(همان: ۷۹)

لزوم تفکر قبل از عمل

تفکر از نگاه آدمی به فراسوی تجارب و خارج کردن خود از بن‌بست‌ها و محدودیت‌ها ریشه می‌گیرد و فرد را از حالت خشک و قالبی گذشته به سوی اندیشه‌های آزاد و ارائه نظریه‌های متفاوت سوق می‌دهد و نهایتاً موقعیتی به وجود می‌آید که انعطاف و سلامت روانی را در افکار و اعمال آدمی به وجود می‌آورد. تفکر عالی‌ترین فعالیت ذهنی است. انسان به واسطه تفکر است که از دیگر موجودات زنده برتر است. تفکر فراتر از یادگیری و حافظه است؛ این دو مفهوم پیچیدگی شناختی زیادی ندارند، در حالی که در تفکر این - گونه نیست. کسی که حافظه قوی دارد لزوماً فرد متفکری نیست.

نزاری بیان می‌دارد که نباید کاری را نادانسته و بدون فکر انجام داد؛ چون نتیجه‌ای جز پشیمانی در بر نخواهد داشت:

دردمندی راقدم مجروح بود بر سرش مرهم نمی‌بد هیچ سود

کار نادانسته‌ای دانا مکن جهل پنهان کرده راییدامکن

اولین تشخیص باید پس علاج تا نییاداستقامت در علاج

(همان: ۹۴)

وی همچنین اعتقاد دارد که نباید با افراد کم‌عقل نادان هم‌صحبت شد:

دل به ناقص عقل تردامن مده آتش اندر پهلوی خرمن منه

(سفرنامه نزاری: ۱۰۳)



مزمت خودخواهی

یکی از رذایل اخلاقی که در میان توده‌های مردم صفتی زشت و ناپسند محسوب می‌شود «غرور» و «خودخواهی» است. این صفت رذیله موجب از خودبیگانگی و جهل نسبت به خود و دیگران و فراموش کردن موقعیت فردی و اجتماعی خویشتن و غوطه‌ور شدن در جهل و بی‌خبری است.

ملا محسن فیض کاشانی در مورد این صفت نامطلوب اخلاقی می‌گوید: «خودبینی، گیاهی است که دانه آن کفر و سرزمین نفاق و آب آن ستمگری و شاخه‌هایش نادانی و برگش گمراهی و میوه‌اش لعنت خداست» (فیض کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۱۸).

به نظر نزاری کسانی که خودپرست و خودبین هستند، قدر و اعتباری ندارند و محکوم به شکست‌اند:

کای نزاری آزمودی بارها خویشتن‌بینی مکن در کارها

(همان: ۱۰۳)

خودشناسی

خودشناسی والاترین و ارجمندترین فضیلت آدمی و در عین حال، مقدمه و زمینه بسیاری از فضایل دیگر انسانی نظیر تواضع، گذشت، انصاف و مدارا است. خودشناسی طبعاً مستلزم آن است که آدمی خویشتن خویش را با همه توانایی‌ها و ناتوانی‌ها و محاسن و معایبش، به درستی شناسایی و ارزیابی کند و به نقاط قوت و ضعف خویش در زمینه‌های گوناگون وقوف یابد که این خود از جمله دشوارترین کارها و اهداف است (کتابی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

نزاری خودشناسی را هدفی دست‌نیافتنی نمی‌داند، بلکه بر آن است که آدمی باید تا آنجا که می‌تواند، در طریق شناخت عیوب و نقاط ضعف خویش بکوشد تا شاید بر اثر وقوف بر آن‌ها، از توجه به معایب و نقایص دیگران و مطرح ساختن و بزرگ کردن آن‌ها باز ماند و در عوض در مسیر تکامل خویشتن و رفع کمبودهایش گام بردارد:

خویش را چون نیک بشناسی به خویش پس حجاب نفس برداری ز پیش

بعدازآن حق رابه حق بایدشناخت اوبودکورا به اوباید شناخت

او به اویعنی به نور نوراو نوراو اوعنی به حق دستوراو

(سفرنامه نزاری: ۱۰۳)



ب) اشارات فرهنگی و باورهای مردمی در سفرنامه

فرهنگ و تاریخ کشورمان، سرشار از اعتقادات و باورهایی است با نمادها و نشانه‌های گوناگون و آیین‌های متفاوت، که در زندگی و اعتقاداتمان، در سنت اخلاق و باورهای اساطیری و آیینی و مذهبی‌امان، نمایان می‌شود. وجود باورهای عامیانه و خرافی در میان هر ملت و فرهنگی، امری بایسته و پیوسته است. «باورهای خرافی جزء جدانشدنی و لاینفک همه تمدن‌هاست، چه تمدن‌های پیشرفته، و چه تمدن‌های بدوی و حاشیه‌ای» (امیرقاسمی، ۱۳۸۲: ۳).

اصولاً باورهای خرافی و عوامانه از نادانی بشر در قبال پدیده‌های طبیعی اطرافش به وجود می‌آمده است. چون مردم نمی‌توانستند رابطه علی و معلولی قضایا و علل ظهور حوادث گوناگون طبیعی را کشف کنند، ناچار برای هر حادثه و پیشامد، علت و عاملی که مانند خود انسان ذی‌روح باشد، قائل می‌شدند تا به این وسیله خود را قانع کنند و بدبختی‌های خود را تخفیف دهند» (راوندی، ۱۳۵۶: ۶۷، ج ۱).

شاید به همین دلیل است که رابطه‌ی بسیاری از پدیده‌های خرافی و عناصر فرهنگ عامه با نفس زندگی انسان چندان شناخته شده نیست. در حالی که از نظر کیفی وجود آن با جوامع بشری ملازمه دارد» (ناصرح، ۱۳۵۷: ۵۰۸).

«نزاری در سفرنامه از وضع جغرافیایی برخی محل‌ها، از آب و هوا، اوضاع شهرها از نظر طبیعی، وضع ساختمان‌ها و ابنیه عمومی، از نظر سیاسی و وضع حکومتی به طور مختصر سخن به میان آورده است ولی بخش اعظم سفرنامه اندرزهای اخلاقی و حکایات عقیدتی است» (مقدمه سفرنامه نزاری، ۱۳۹۰: ۲۳)؛ همچنین وی در کنار این موارد به برخی از شاخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و باورهای عامیانه و مردمی که در جامعه آن زمان جاری بوده است، اشاراتی داشته است.

مشتلق (مژده لیق) یا مزدگانی دادن

دکتر یوسفی به نقل از استاد همائی می‌گوید: در میان اهل تصوف، رسمی بوده است نظیر صدقه دادن، یعنی اگر بلائی رفع می‌شده یا خبر خوش بسیار مهمی می‌رسیده یکی از اصحاب یا شیخ، خرقه خود را به رسم صدقه و شکر می‌سوزانده و و یا خرقه‌اش را به آورنده خبر خوش، مزدگانی می‌داده است. این رسم مألوف در باورهای عامیانه ایرانی و اسلامی نیز از قدیم‌الایام بوده و سینه به سینه به نسل‌های بعد انتقال پیدا کرده است طوری که هم‌اکنون در میان اقوام مختلف ایرانی مرسوم است که به آورنده خبر خوش، وجه نقد و یا هدیه و لباسی به رسم مزدگانی داده می‌شود.

نزاری نیز در ضمن اشعارش، اشاره‌ای به این رسم عامیانه می‌کند، آن‌جا که از باد صبا می‌خواهد که بی‌درنگ به جانب قهستان برود تا قبل از رسیدن خود، خبر ورودش را به مردم قهستان بدهد و آرخالق (بالاپوش



مردانه) آن‌ها را مؤذگانی بگیرد. وجه دیگر این چند بیت می‌تواند نمایان‌گر شهرت و ارج و اعتبار نزاری در میان مردم قهستان باشد به گونه‌ای که خبر ورود او به شهر نویدبخش و خوشحال‌کننده مردم آن دیار می‌باشد.

دوش چون بادصبا تشریف داد	جان محنت‌دیده من کرد شاد
کرده‌ام از وی به زاری التماس	تا رودسوی قهستان بی‌مکاس
ایلچی باشد روددر پیشتر	دوستان را خوش برآرد زین خیر
خواهد از یک ارکلوکی (ارخالق؟) دگر	حاسدان رانوکند سوگی دگر

(سفرنامه نزاری: ۱۵۸-۱۵۷)

چشم زخم

بدون تردید اعتقاد به چشم زخم (عین‌الکمال)، یکی از پاینده‌ترین و قدیم‌ترین اعتقادات مسلمانان است. باوری که در اعتقادات بسیاری از ملل جهان وجود دارد. به جرأت می‌توان گفت که اعتقاد به چشم‌بد جهانی-ترین و گسترده‌ترین باور خرافی است. «در دایره المعارف دین آمده است که اعتقاد به تأثیر چشم بد، جهانی است. پیامبر(ص) فرموده است: العینُ حقُّ» (خرم‌شاهی، ۱۳۶۸: ۸۷۳).

مولانا در مثنوی می‌گوید:

چشم تو گریدسیاه و جانفزا	گر نمانداو جانفزا زرق چرا
--------------------------	---------------------------

(مثنوی، ۱۳۸۳: ب ۱۷۵۴)

نزاری نیز به این باور عامیانه و مردمی اشاره کرده است:

از قضا چشم بداندر من رسید	وقت ایشان باددر عیش لذیذ
---------------------------	--------------------------

(سفرنامه نزاری، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

همچنین نزاری در مقدمه مثنوی روز و شب خود، وقتی که به مدح ممدوحش، تاج‌الدین ابوالمعالی محمد بن علی (پسر شمس‌الدین علی شاه نیمروز) می‌پردازد نیز اشاره‌ای به این باور کهن نموده است:

بوالمعالی محمد بن علی	میوه باغ لطف لم‌یزلی
-----------------------	----------------------

باد در عز و ناز پرورده	شاه ازو او زشاه برخورداره
------------------------	---------------------------

حق تعالی ز چشم زخم بدان	داردش در ضمان امن و امان
-------------------------	--------------------------



(مثنوی روز و شب نزاری، ۱۳۸۵: ۴۴)

اعتقاد به طالع بینی و فال

در تمام ادوار تاریخ، بشر می‌خواسته است از آینده و سرنوشت خود آگاهی یابد. میل انسان‌ها به جاودانگی، سبب شده است که از طرق مختلف، سعی در آگاهی از آینده خود داشته باشند. در روزگاران گذشته، آدمیان می‌پنداشتند که هر فردی در روی زمین، ستاره‌ای مخصوص به خود دارد، و آن ستاره را طالع، یعنی ستاره بخت و سرنوشت او می‌خواندند؛ و با مطالعه ستاره‌ی هر کس، به سرنوشت او پی می‌بردند. این عمل و آرزو را طالع‌بینی می‌گویند.

در فرهنگ اصطلاحات نجومی در مورد طالع آمده است: «طالع یعنی برآینده، طلوع کننده، اختر طالع، برج طالع، جزوی است از منطقه البروج که در وقت مفروض در افق شرعی باشد. اگر آن وقت، زمان ولادت آن شخص باشد، آن را طالع مولود آن شخص گویند؛ و اگر در اول سال شمسی باشد آن را طالع سال گویند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۴۷۷-۴۷۸). در نجوم، احکامی برای انجام هر کاری سوای انجام کارهای عادی و روزمره، برای مراجعه به تقویم و یافتن طالع و اختیار وقت مناسب توصیه شده است.

نزاری نیز به سعد و نحس بودن بخت، طالع‌بینی و مواردی این‌گونه اعتقاد دارد و این موارد را در برخی از ابیات سفرنامه انعکاس داده است:

گاه در خلوت صبحی می‌زدیم

گاه فالی برفتوحی می‌زدیم

(سفرنامه نزاری: ۶۵)

خود گرفتی از پشیمانی چه سود

طالع ارمسعوداگر منحوس بود

(همان: ۱۰۱)

بر سرافشاندم ز بخت خفته خاک

کردم از بس ناامیدی جامه چاک

(همان: ۱۳۷)

کواکب و اجرام آسمانی

آن‌چه مسلم است زیربنای فکر اخترشناسی، ناشی از اندیشه‌های اسطوره‌ای و مذهبی بوده است؛ زیرا انسان باستانی ستارگان را ایزدانی نیرومند و توانایی می‌پنداشته و بر این باور بوده است که سرنوشت و بخت آدمی در گرو تأثیر آن‌هاست (بیکرمن، ۱۳۸۶: ۲۳۴). حال این تفکر اسطوره‌ای نسل به نسل منتقل شده و به فرهنگ و ادبیات ملل مختلف راه پیدا کرده است به طوری که در تصویرسازی‌ها و تشبیه‌آفرینی‌ها و مضمون‌سازی-



های شاعران کاملاً مشهود است. اشاره فراوان نزاری نیز به اصطلاحات نجومی، نشانگر همین امر و آشنایی وی با این دانش می‌باشد. خواه این آشنایی به سبب اشتغال او به این علم باشد و یا مأخوذ از فرهنگ عامیانه و الفاظ جاری در میان شعرا و مردم عامه؛ قدر مسلم اطلاعاتی است که به واسطه اشعار او از این امر دریافت می‌گردد.

نزاری بر طبق نجوم احکامی که کواکب را به نر و ماده تقسیم می‌کردند و برای هر یک رنگ و مزاج و سعد و نحسی قائل بودند؛ معتقد است که عطارد کوبی خنثی است و بر طبق همین آشنایی با نجوم احکامی، مریخ را سرخ رنگ و نماد جنگاوری و خوشه پروین را نماد اتفاق و خاطر جمعی و هفت اورنگ یا بنات‌النحش را نماد پراکندگی و انفصال معرفی می‌کند:

آدمی نه عالمی مریخ‌روی ماده و نر سبز چشم و زرد موی

(سفرنامه نزاری: ۶۱)

چون عطاردتا کی از تردامنی گاه مردی کردی و گاهی زنی

آخر از پروین بیاموزاتفاق چون بنات‌النش تا چند از نفاق

از دوپیکر چون نگیری اعتبار می‌نباید بردنت دوری زیار

(همان: ۱۰۱)

شراب‌خواری و نوازندگی

«بین شعرای پارسی‌زبان کمتر شاعری به اندازه نزاری مدح شراب کرده است و چنان‌که در تمام غزلیاتش مدح از باده را فراموش نکرده و حتی یک مثنوی جداگانه به نام دستورنامه در آیین شرابخواری ساخته است» (مجتهدزاده، ۱۳۴۵: ۹۵).

«ایما و اشارات نزاری به میگساری نیز مانند شاعران صوفی‌مسلک، سرشار از ایهامات و دوپهلویی‌هاست؛ از این رو، اغلب دشوار است که دریابیم که آیا اشاره وی به می و باده به مفهوم لفظ آن، یعنی نوشابه‌ای مست‌کننده، است یا معنای استعاری عشق به خداوند از آن اراده شده است. نوشیدن شراب در ایران سده‌های میانه، به ویژه در دربارها و در میان طبقات حاکم، امری عادی بود و ستودن باده و می یکی از مضمون‌های مهم شعر اولیه فارسی به شمار می‌آمد. ممکن است نزاری برای نخستین بار در دوران خدمتش در دربار ملوک آل کورت در هرات به باده‌نوشی اعتیاد کرده باشد؛ زیرا این امر در اشارات بی‌شماری که در قصایدی که در این دوره سروده است، به میگساری و باده‌نوشی می‌کند، انعکاس یافته است و بعضی از این اشارات به می و شراب را می‌توان به معنای لفظی آن گرفت» (جمال، ۱۳۹۲: ۱۲۱):



شب نبودى جز به مى تسکین من چنگ شمسو تا سحر بالین من

(همان: ۴۶)

نسخه‌ای از ذکر جمعی کرده‌ام از شراب دوستکامی خورده‌ام

(سفرنامه نزاری: ۱۵۸)

بر نخیز در روز و شب بی‌سور و چنگ دست در دامان عیش از نای و چنگ

(همان: ۱۵۹)

بی‌تکلف نام ایشان می‌برم وین قدح بر یاد ایشان می‌خورم

(همان: ۱۶۲)

سیمرغ (پرنده خیالی)

سیمرغ که به نام‌های عنقا و شاه مرغان نیز معروف است، یکی از مشهورترین و پر رمز و رازترین پرنده‌گان اساطیری و عرفانی است که بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی این موجود افسانه‌ای را دست‌مایه بسیاری از مضامین خود قرار داده‌اند. در توصیف اساطیری سیمرغ گفته‌اند: «پره‌های گسترده‌اش به ابر فراخی ماند که از آب کوهساران لبریز است. در هنگام پرواز پهنای کوه را فرا می‌گیرد. از هر طرف چهار بال دارد و به رنگ‌های نیکو. منقارش چون منقار عقاب کلفت و صورتش، چون صورت آدمیان است» (مسعودی، ۱۳۴۴: ۵۷۶، ج ۲).

گفته‌اند که ۱۷۰۰ سال عمر می‌کند. پس از ۳۰۰ سال تخم می‌گذارد و در مدت ۲۵ سال، بچه‌های او از تخم بیرون می‌آیند (یا حقی، ۱۳۷۵: ۲۶۶).

نزاری نیز به تبع بسیاری از شاعران پیش از خود این پرنده خیالی را بن‌مایه برخی از مضامین شعری‌اش کرده و قاف‌نشینی و بلندهمتی و مناعت طبع این پرنده افسانه‌ای و خیالی را وجه شبه برخی از تشبیهات خود قرار داده است:

تانینداری که سیمرغ از گزاف کرد تا اکنون نشیمن کوه قاف

(سفرنامه نزاری: ۱۰۵)

هرگز آخر حور در دوزخ که دید مرغ کوه قاف رادر فخ که دید

(همان: ۸۷)

نتیجه‌گیری



از مجموع این بررسی‌ها و تحلیل‌ها، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که شناخت آداب و رسوم و باورهای عامیانه‌ی مردم هم‌عصر نزاری قهستانی، و درک چگونگی آن‌ها، دری به سوی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دوره‌ای از قرون حائز اهمیت در فرهنگ و ادب فارسی، می‌گشاید.

باورهای عامیانه برگرفته از فرهنگ مرسوم آن جامعه است، و تأثیر زیادی بر طبقات مختلف آن جامعه می‌گذارد. از آنجا که نویسنده در بستر جامعه به سر می‌برد، خواه ناخواه تحت تأثیر اعتقادات و باورهای مردم عصر خود قرار می‌گیرد، و ناخودآگاه و یا از روی اعتقاد قبلی، این‌گونه باورهای عامیانه را در اثر خویش به کار می‌گیرد.

همچنین بررسی عناصر فرهنگ عامه، در متونی چون سفرنامه نزاری، نشان می‌دهد که بسیاری از این عناصر همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند و از این نظر، انسان کنونی با انسان گذشته، تفاوت چندانی ندارد. بسیاری از این آداب و رسوم پیشینیان بر زندگی ما به شدت سیطره دارند. با آن که اعتراف می‌کنیم برخی از این آداب و رسوم دست و پاگیرند و زندگی را از مسیر طبیعی خود خارج می‌سازند و رنگی از تکلف بر آن می‌زنند، ولی نمی‌توانیم خود را از اجرا و پای‌بندی به آن‌ها محروم کنیم.

باورهای مردمی بیشتر جنبه‌ی آیینی و مذهبی دارند و به تدریج، با تکامل مذاهب بشری، ریشه‌های دینی باورها، به فراموشی سپرده شده‌اند، اما از رواج آن‌ها در میان ملت‌ها کاسته نشده است.

نزاری هم‌چون شاعری غم‌ستیز است که آدمیان را از حضور و نمود رذیلت‌هایی مانند خودنمایی و تکبر و زیرکی حسابگرانه در زندگی، تحزیر می‌دهد. می‌توان گفت که نزاری بُعد روحی انسان را بر بعد جسمانی او ترجیح داده و حقیقت وجود انسان را اندیشه، بصیرت و عقلانیت قلمداد می‌کند.

فرهنگ و ادب سرزمین ایران وارث خردورزی، تجربه و باریک‌بینی ملتی ریشه‌دار و فرهیخته است که خاستگاه ایرانی آن در غبار حوادث روزگار گم شده است. در جست و جوی سرچشمه‌های فکری گویندگان و شاعران می‌توان بنا به قول «سر دلبران در حدیث دیگران» به رگه‌های طلایی ارزشمندی از اندیشه و فکر ایرانی دست یافت که نشان از پیش‌گامی مردم ایران زمین در عرصه فرهنگ و ادب دارد؛ همان رشته‌های زرینی که امروز برای بسیاری رنگ و بوی دیگری دارد.

نوع پژوهش این مقاله نشان می‌دهد یا همه دشواری‌هایی که در برابر این نوع ریزینی‌ها و نکته‌سنجی‌ها وجود دارد، لازم است صاحب‌نظران ادب فارسی، نقش و جایگاه فکر و اندیشه را در آثار ناب فارسی و ایرانی به مشتاقان و علاقمندان ادب فارسی و پژوهش‌های تطبیقی، نشان دهند.

نزاری عامه مردم را نیز از آموزه‌های اخلاقی خود بی‌بهره نمی‌سازد؛ زیرا وی معلم اخلاق است. احترام گذاشتن به بزرگتران، اندیشیدن قبل از اقدام به گفتار و کردار، تأکید بر اتحاد، نهی از مردم‌آزاری، توصیه به لطف و مهربانی، تأکید بر تواضع، نهی از سرکشی و تندی، نهی از پرخوری، توجه به تجربیات و نادیده نگرفتن



آن، قناعت به دسترنج خود و بسیاری از مسائل دیگر این چینی از آموزه‌های اخلاقی مهم و محوری نزاری در مواجهه با مخاطبان عام خود است. همچنین وی در پهنه کلام خود بر بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ عامه عصر خود چون عید نوروز، شراب خواری، مزدگانی گرفتن، تأثیر اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان، طالع بینی و فال زدن، پرنده‌گان و موجودات خیالی، جادوگری، چشم زخم و بزم و نوازندگی، اشاره می‌کند. و جالب‌تر این که برخی از این باورها بسیار کهن بوده و جایگاه اسطوره‌ای و کهن‌الگویی دارد طوری که سینه به سینه و نسل به نسل انتقال پیدا کرده و حتی به روزگار ما نیز رسیده است.

منابع و مأخذ

- ۱- **قرآن مجید** (۱۳۸۹). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات جمهوری.
- ۲- علی بن ابی‌طالب (ع)، (۱۳۸۳)، **نهج البلاغه**، به کوشش سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- آقاجانی، شعبان، (۱۳۸۲)، **استقامت رمز موفقیت مردان بزرگ**، قم: انتشارات گاه سحر.
- ۴- ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۲)، **تحف العقول**، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل علی (ع)، ج ۱.
- ۵- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۳۷۳)، **لسان العرب**، به تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی، بیروت: موسسه التاريخ العربی، ج ۹.
- ۶- امیرقاسمی، محمد، (۱۳۷۶)، **نگاهی به مسائل اجتماعی - فرهنگی سیاست‌نامه و قابوس‌نامه**، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول.
- ۷- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**. تهران: انتشارات سخن.
- ۸- بیکرمن، ئی. ا. (۱۳۸۴)، **علم در ایران و شرق باستان**، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۹- تاج‌بخش، اسدالله، (۱۳۸۱)، **تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه**، شیراز: انتشارات نوید، چاپ اول.
- ۱۰- جمال، نادیه. ا. (۱۳۹۲)، **بقای بعد از مغول نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ دوم.
- ۱۱- خرّمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۶)، **قرآن پژوهی**، تهران: انتشارات ناهید، چاپ سوم.
- ۱۲- راوندی، مرتضی، (۱۳۵۸)، **تاریخ تحولات اجتماعی**، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.
- ۱۳- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها**، تهران: انتشارات سخن، چاپ ششم.



- ۱۴- سرلک، رضا، (۱۳۵۶)، **آداب و رسوم فرهنگ عامه‌ی ایل بختیاری چهار لنگ**، تهران: انتشارات طهوری.
- ۱۵- شریفی گلپایگانی، فرامرز، (۱۳۷۶)، **گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا**، تهران: انتشارات هیرومند، ۲ جلد.
- ۱۶- فوشه کور، شارل هنری دو، (۱۳۷۷)، **اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی**، مترجمان: محمدعلی امیرمعزی و عبدالحمید روحبخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- ۱۷- فیض کاشانی، محسن، (۱۳۶۹)، **اخلاق حسنه**، ترجمه‌ی محمدباقر ساعد خراسانی، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- ۱۸- کتابی، احمد، (۱۳۹۰)، **جلوه‌های مدارا در آثار سعدی**، نشریه‌ی علوم سیاسی «اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، شماره ۲۸۶، صص ۱۸۷-۱۶۴.
- ۱۹- گیلانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۷)، **ترجمه‌ی مصباح‌الشریعه**، تهران: انتشارات پیام حق، ج ۱.
- ۲۰- ماسه، هانری، (۱۳۵۷)، **معتقدات و آداب ایرانی**، ترجمه‌ی مهدی روشن‌ضمیر، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، جلد اول و دوم.
- ۲۱- مجتهدزاده، علیرضا، (۱۳۴۵)، **سعدالمله و الدین حکیم نزاری قهستانی**، نشریه‌ی جستارهای ادبی، شماره ۶ و ۷، صص ۱۰۰-۷۱.
- ۲۲- مسعودی، امیر، (۱۳۴۴)، **مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر**، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۳- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۰)، **دایرة‌المعارف فارسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، جلد دوم.
- ۲۴- مصفی، ابوالفضل، (۱۳۵۷)، **فرهنگ اصطلاحات نجومی**، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی تاریخ و فرهنگ.
- ۲۵- مظاهری، حسین، (۱۳۸۸)، **کاوشی نو در اخلاق اسلامی**، ترجمه‌ی محمدرضا آژیر، تهران: نشر ذکر.
- ۲۶- مولوی، جلال‌الدین، (۱۳۸۳)، **مثنوی معنوی**، به اهتمام کریم زمانی، تهران: انتشارات اطلاعات، دفتر چهارم.
- ۲۷- ناصح، محمد، (۱۳۵۷)، **ردپایی در کوره‌راه خرافات**، به کوشش محمد روشن، تهران: هشتمین کنگره‌ی تحقیقاتی ایران، بنیاد فرهنگستان‌های ایران. دفتر نخست، ۲۵ خطابه.
- ۲۸- نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس‌الدین، (۱۳۹۰)، **سفرنامه منظوم**، به تصحیح و مقابله‌ی چنگیز غلامعلی بایبوردی، به اهتمام محمود رفیعی، تهران: انتشارات هیرومند.
- ۲۹- نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس‌الدین، (۱۳۸۵)، **مثنوی شب و روز**، به تصحیح و با مقدمه نصرالله پورجوادی، تهران: نشر نی.



۳۰- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم.